

اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عبدالرضا لطفی^۱

رضا دهقانیان^۲

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور، اساس تهیه، تنظیم و نگارش قوانین دیگر است و اصول سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، روابط خارجی، ساختار و حدود قدرت سیاسی را تعیین کرده و ضامن حقوق شهروندی است. **هدف:** هدف از نگارش این مقاله، بررسی اصول بنیادی قانون اساسی در حوزه ملت با عنوان اصل برابری مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. **روش:** روش مقاله، توصیفی تحلیلی است. **یافته‌ها:** قانون اساسی به عنوان ثمره انقلاب اسلامی مردم ایران با رهبری امام راحل، موقداً به حقوق اساسی مردم و ملت ایران توجه ویژه کرده و با تأکید بر اصل تساوی و برابری مردم در برابر قانون، از اعطای امتیازات واهی و غیر قانونی به طبقه یا قشر خاصی از مردم نهی کرده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که همه افراد جامعه مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در شمول و اجرای قانون نسبت به آنها برابر است؛ اما توجه به این نکته ضروری و بسیار حائز اهمیت است که برابری حقوق و تکالیف افراد یک اجتماع در شرایط مساوی به لحاظ عدم امکان ایجاد شرایط یکسان میسر نخواهد بود. با این حال، ملاک بنیادین در اصل برابری در صورت یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در شمول قانون، برابری همه مردم در برابر قانون است.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، اصل برابری، حق و تکلیف، حقوق شهروندی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: 97/11/24، تصویب نهایی: 98/04/29.

1. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) / نشانی: تبریز؛ خیابان 29 بهمن، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، گروه معارف اسلامی / نمابر: 041-33392237 / Email: Tasnim4757@gmail.com
2. دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس دانشگاه تبریز.

الف) مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صدر هرم سلسله مراتب قوانین و حقوق موضوعه قرار گرفته و به عنوان منبع بنیادین برابری به شمار می‌رود. در مقدمه این قانون، به دفعات نسبت به نفی انحصار، استبداد و استثمار تأکید شده است. یقیناً طرد انحصار، به برابری تمامی شهروندان در بهره‌مندی از امکانات اجتماعی منجر می‌شود. مصداق بارز این موضوع، بند 9 اصل سوم قانون اساسی است که به برابری آحاد ملت در دستیابی به مشاغل عمومی اشاره دارد و بند 14 همین اصل، به تأمین حقوق همه‌جانبه آحاد ملت، اعم از زن و مرد و تساوی عموم مردم در برابر قانون اشاره می‌کند. البته باید توجه داشت که اصل بنیادین برابری در قانون اساسی، اصل بیستم است. اما نقش نهاد صیانت از قانون اساسی نیز در تضمین این اهداف، از اهمیت شایانی برخوردار است و مانع اعمال تبعیضهای ناروا می‌شود. بدیهی است که این نهاد باید برابری را در اشکال مختلف نهادینه کرده، تلاش کند تا تدابیر لازم برای مقابله با تبعیضهای نوین اتخاذ شود.

بر این اصل در دین مقدس اسلام به عنوان یک اصل ذاتی و فطری، تأکید و به نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام تبدیل شده است. بر اساس آموزه‌های دینی، هیچ انسانی بر دیگری مزیت ندارد، مگر از طریق کمالات معنوی که از آن برخوردار است. بارزترین ملاک مزیت و برتری، تقوا و پرهیزگاری در همه شئون زندگی است (سبحانی، 1389: 27). خداوند متعال نیز در قرآن، بر خلقت یکسان ابنای بشر تأکید دارد (حجرات: 13). حق یکسان بودن همه انسانها، وسیع‌ترین و مهم‌ترین حق آنان است (مصباح یزدی، 1391: 215). قرآن کریم با اشاره به برابری طبیعی انسان (نساء: 1)، بر این نکته تأکید می‌کند که از نظر اسلام، تمامی آدمیان به اعتبار خلقت انسانی و اصل انسانیت با هم برابرند و کسی را بر دیگری هیچ‌گونه امتیاز و برتری نیست و همه انسانها از نفس واحدی خلق شده‌اند. (اعراف: 189)

در خصوص ضرورت و اهمیت این تحقیق، باید گفت که تفاوت آن با پژوهشهای پیشین، نوآوری در آن است که با رویکرد توجه به مبانی مشروعیت اصول قانون اساسی و شرح مذاکرات شورای نگهبان صورت گرفته و با تکیه بر آن، اثبات کرده‌ایم که اصل برابری در قانون اساسی جایگاه رفیع و ریشه در اعتقادات دینی ما دارد و برای تحقق عدالت در جامعه و دستیابی به آن بسیار مثمر ثمر خواهد بود. حال سؤال این است که مبانی اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کدام است و آیا همه اتباع یک کشور در همه حقوق با یکدیگر برابرند؟

ب) پیشینه پژوهش

از آنجا که برابری، ریشه در تاریخ بشریت دارد؛ بحث اصل برابری یکی از مباحث مهم کتب حقوقی، تاریخی و فلسفی است. برای مثال، آنچه افلاطون و ارسطو از مفهوم برابری و تساوی حقوق ارائه داده‌اند، به

765 اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

آنچه امروزه با عنوان اصل برابری مطرح می‌شود، متفاوت است. افلاطون مردم را در جامعه آرمانی، به سه طبقه تقسیم می‌کند (کاپسون، 1370: 263)، ولی ارسطو به مکتب اشتراکی استاد خود انتقاد دارد و به نابرابری طبیعی انسانها اعتقاد دارد (عنایت، 1362: 74). با ظهور دین مسیحیت، اندیشه نابرابری بشر مورد تردید واقع شد و انسان دارای ارزش و کرامت الهی شد (فروغی، 1367: 76). پس از ظهور دین اسلام، تساوی حقوق مردم در روش حکومتی، مورد توجه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بود و امام علی (ع) بر حفظ اصل برابری تأکید ویژه داشتند. روایات رسیده از معصومین (ع)، مبنای تحقیق و پژوهش اساتید و محققان قرار گرفته و مکتوبات و مقالات متعددی درباره حکومت اسلامی و وظایف آن در قبال ملت به رشته تحریر درآمده است. اما طبق بررسی‌های صورت گرفته، مقاله‌ای معتبر که بر موضوع اصل برابری در قانون اساسی تمرکز کرده باشد، ملاحظه نشد. البته در خصوص اصل برابری، مقالاتی از جمله: «اصل برابری در استفاده از خدمات عمومی» نوشته علی اکبر گرجی از ندریانی و نیکزاد مراد، «تساوی حقوق در بستر قانون اساسی ایران و نهج البلاغه» نوشته حسین گلی، محمد مهدی اله وردی ها و علیرضا کاوند و «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین» به قلم محمدرضا ویژه نوشته شده است. به موجب بررسی‌های انجام گرفته، کتابهایی نظیر «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی» نوشته سید محمد هاشمی و سایر کتب نوشته شده، به موضوع اصل برابری اشاره کلی کرده‌اند. بنابر این، مقاله حاضر در نوع خود جدید و به لحاظ توجه به مبانی شرعی اصل برابری و توجه به بررسی اصول و شرح مذاکرات شورای نگهبان، ابتکاری نو داشته و امید است راهگشا باشد.

ج) تاریخچه مختصر قانون اساسی

قانون اساسی مشروطه مصوب 1324 ق/ 1285 ش / 1906 م. تا سال 1357، قانون اساسی ایران بود. این قانون 51 ماده داشت که بیشتر به طرز کار مجلس شورای ملی و مجلس سنا مربوط می‌شد؛ به همین دلیل در آغاز به «نظامنامه» نیز مشهور بود. در این قانون، ذکری از حقوق ملت نبود. بنابر این، متمم قانون اساسی در 14 مهر 1286 ش / 29 شعبان 1325 ق. به تصویب مجلس رسید.

ظهور مفهوم برابری در آستانه مشروطیت، از تحولات مهمی است که در باطن جامعه ایرانی در حال وقوع بود. پس از پیروزی مشروطیت، تلاشهای سیاسی و اجتماعی به سطح حقوقی رسید تا آن را در متون قانونی وارد کند (سلطانی، 1391: 4). در پیش‌نویس متمم قانون اساسی مشروطه، اصل مربوط به برابری در مقابل قانون، ذیل فصل «حقوق ملت ایران» چنین پیش‌بینی شده بود: «حقوق اهالی مملکت کلیتاً محفوظ است. شئون و درجات شخصیه موجب تباین حقوق نخواهد بود؛ یعنی ایرانی‌ها از حیث حقوق در مقابل قانون یکسان‌اند». شاید عبارت «از حیث حقوق»، نگرانی را در مخالفان این اصل برمی‌انگیخت. این عبارت تا آخرین نسخ اصلاحات متن اصل هشتم متمم باقی ماند و در آخرین اصلاح از ساختار اصل برداشته شد و

چنین مقرر شد: «هالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود». اصل 13 نیز به حمایت قانون از مالکیت اشخاص به طور عموم اشاره کرده و در ادامه، اصل 97 به عدم تبعیض در امور مالیاتی اشاره کرده است. البته پس از آن نیز در چند نوبت با تشکیل مجلس مؤسسان، برخی از مواد این قانون تغییر کرد.

د) مفهوم اصل برابری¹

اصل برابری عبارت از این است که همه انسانها دارای حقوق و تکالیف یکسان باشند و تا زمانی که میان انسانها مساوات کامل از هر نظر لحاظ نشود، تحقق عدالت اجتماعی امری محال است (هاشمی، 1391: 219). در هر نظریه عدالت، دیدگاه برابری، ایده‌ای بنیادین و هسته‌ای است. سؤال اصلی در خصوص مفهوم برابری، این است که برابری در چه؟ این سؤال اصلی است که همه نظریه‌های عدالت می‌خواهند به آن پاسخ دهند. در باب پاسخ به این سؤال اختلاف نظر وجود دارد که در همین زمینه نظریه عدالت مطرح می‌شود. منتهی آنچه در همه نظریه‌های عدالت درباره آن اجماع نظر وجود دارد، برابری شکلی است. البته برابری حقوق و تکالیف افراد یک اجتماع در شرایط مساوی ممکن نیست؛ زیرا ایجاد چنین شرایط یکسانی میسر نخواهد بود (دشتی، 1390: 49). به طور واضح آنچه ملاک بنیادین در اصل برابری است، در صورت یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در شمول قانون، برابری همه آنان در برابر قانون است.

1. برابری در دین اسلام

اصل برابری، مبنای زندگی مشترک و اجتماعی جوامع بشری است. بر اساس اندیشه اسلامی، افراد انسانی از هر قوم و قبیله با هم برابر و مشترک‌اند و به استناد این برابری تکوینی، هرگونه برتری قومی، نژادی و اجتماعی افراد بر یکدیگر نفی شده است (هاشمی، 1391: 108). برابری از ارزشهای بنیادین حقوق بشر مدرن است و از دیدگاه اسلام، همه انسانها مخلوقات خداوندند (پیرموسوی، 1392: 254). یکی از مهم‌ترین وجوه دین اسلام، برابری میان فرمانروایان و فرمانداران از یک سو و آحاد فرمانبرداران؛ یعنی برابری میان مردم از سوی دیگر است. مصداق عینی و مشخص این برابری، نحوه تعامل و مواجهه پیامبر اسلام (ص) و وصی ایشان حضرت علی (ع) با مردم تحت فرمانشان است که جملگی نشان از برابری آنان در تمتع از بیت‌المال و نیز برابری آنان در مقابل قانون الهی دارد. همچنین پرهیز از امتیازدهی ناروا و اجتناب از تبعیض میان مسلمین در سپردن مسئولیتها با توجه به ارتباطات قومی و قبیله‌ای و خویشاوندی و حتی سوابق فداکاری آنان در اسلام، به خوبی در سیره این دو بزرگوار مشاهده می‌شود. یکی از نمونه‌های برابری همگان در

767 **اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

اسلام، نحوه برخورد حضرت علی(ع) با طلحه و زبیر در جریان تقسیم بالسویة بیت‌المال و مقابله با ویژه‌خواری آنهاست. مثال دیگر، روایت مشهور نبوی است که فرمودند: «مردم مانند دندان‌های شانه برابرند» (آبی، 1371، ج 2: 100). همچنین، سخنرانی رسول اکرم(ص) در واقعه غدیر خم در خصوص موضوعات عمدتاً سیاسی و تأکید بر ارزش تقوا به عنوان برترین ارزش اسلامی که فرمودند: هیچ کس بر هیچ کس دیگر، جز به تقوا و پرهیزگاری ترجیحی ندارد.

مفهوم برابری به معنای یکسان‌نگاری میان همگان، در دنیای معاصر از بیشترین محبوبیت برخوردار است و بسیاری از کنشهای اجتماعی بر محور این مفهوم واقع شده است. یقیناً مقصود از برابری، آن نیست که همه انسانها با یکدیگر تامل و تشابه تام و کامل دارند (جعفری، 1390: 334)، بلکه مراد تساوی در ارتباط با مبدء، تساوی در ماهیت و تساوی قراردادی در برابر حقوق طبیعی و وضعی است که برای زندگی معقول بشر ضرورت دارد (همان: 335). اما این احساس و آرمان از سوی انسانهای خودم‌محور و خودکامه چگونه قابل درک است؟ (مرادی، 1377: 90). در فلسف‌سیاسی و نیز در فلسفه اخلاق، مقوله عدالت از جایگاه رفیعی برخوردار است. در این میان، برابری در ساختار عدالت، جایگاهی بس مهم دارد. به نظر علامه جعفری، در اسلام، 12 نوع تساوی در میان انسانها وجود دارد (جعفری، 1390: 335). در دین مبین اسلام بر یکسان بودن همه انسانها در خلقت تأکید شده است؛ خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید» (حجر: 29). این نگاه به انسان، از انسانی به انسان دیگر متفاوت نیست؛ بلکه همه انسانها در اینکه روح الهی دارند، مشترک‌اند. اشتراک در روح الهی به معنای برابری همگان در خلقت است.

2. اصل برابری در اسناد حقوق بشر¹

برابری از دیدگاه حقوق بشر به معنای تساوی همه در برابر قانون و مورد حمایت یکسان قانون بودن است. در ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای موهبت خرد و وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند». در ماده هفتم تصریح می‌کند: «همه افراد در پیشگاه قانون یکسان‌اند و حق دارند بی‌هیچ تفاوتی از پشتیبانی قانون به‌طور برابر استفاده کنند. هر کس حق دارد در مقابل هرگونه تبعیض که ناقض این اعلامیه باشد و در مقابل هر عملی که چنین تبعیضی را تشویق کند، از حمایت یکسان قانون برخوردار شود». در این رابطه ماده 26 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی² بیان می‌دارد: «کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی‌اند و بدون هیچ تبعیض، استحقاق حمایت بالسویة قانون را دارند. از این لحاظ، قانون باید هرگونه تبعیضی را منع کند و از

1. Human Rights

2. مصوب 16 دسامبر 1966 م. (مطابق با 1345/9/25 ش) مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

کلیه اشخاص، حمایت مؤثر کرده، جلوگیری از اعمال هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، تمول، نسب یا هر وضعیت دیگر را تضمین کند». بند دو ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی¹ مقرر کرده است: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین کنند». پس «برابری» در مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق، هر دو مؤلفه «تساوی در برابر قانون» و «قانون یکسان برای همه» را شامل شده و بر نفی تبعیض بر اساس مذهب، جنسیت، زبان، رنگ و نژاد تأکید کرده است. البته باید توجه کرد که این تصور از برابری در غرب با اصل آزادی ناسازگار بوده و عملاً به جز موارد اندک، توفیق چندانی نداشته است (میرموسی، 1392: 255). این نکته نیز حائز اهمیت است که با وجود پافشاری اسناد بین‌المللی حقوق بشر به اصولی مانند اصل برابری، سایه سیاه روابط سیاسی از زمان صدور اعلامیه 1948 م. و تصویب میثاقهای آن در 1966 م. تا کنون بر اجرای اسناد مذکور، نقش اساسی داشته است.

آنچه در اسناد حقوق بشری و فصل مربوط به حقوق بشر در قوانین اساسی کشورها ذکر می‌شود و می‌بایست برای همه به طور یکسان اجرا شود، حداقل حقوق انسانی است که همه انسانها در هر شرایطی باید از آن برخوردار باشند؛ البته نه اینکه همه اتباع یک کشور در همه حقوق با یکدیگر برابرند. در این خصوص باید به تفاوت میان «حقوق بشر» و «حقوق شهروندی» توجه داشت. تمامی کشورها این اعتقاد را دارند که حقوق بشر ثابت است و باید برای همه انسانها در کل دنیا و در هر شرایطی رعایت شود؛ اما حقوق شهروندی دارای این وضعیت نیست و تنها برای اتباع یک کشور برقرار است و می‌تواند دارای تفاوتی در بهره‌مندی افراد از آن حقوق باشد. می‌توان در حقوق شهروندی علاوه بر حقوقی حداقلی که در اسناد حقوق بشر مد نظر است، به اقتضای هر نظام سیاسی حاکم و طیف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، پیش‌بینی‌هایی انجام گرفته باشد که متمایز از قواعد عمومی حقوق بشر است.

3. برابری ملتها در ادیان الهی

از دیدگاه مسیحیت، هدف از بعثت پیامبران، هدایت انسان و نجات او از شر و گمراهی است. در تعالیم این دین، توجه ویژه به شخصیت فردی و موقعیت اجتماعی افراد انسانی قابل مشاهده است. با مطالعه آموزه‌های تعالیم مسیحیت، چنین استنباط می‌شود که انسان در حق حیات و تمامیت جسمانی خویش، حق برخورداری از امکانات لازم و کافی را برای زندگی شایسته دارد و باید در مواقع لزوم، از خدمات حمایتی لازم بهره‌مند

1. این میثاق در 16 دسامبر 1966 (برابر با 25 آذر 1345) به تصویب سازمان ملل متحد رسیده و 148 کشور هم‌اکنون عضو آن هستند.

شود؛ اما در عمل، نابرابری‌های فاحش اقتصادی و اجتماعی، اصل برابری انسانها را همواره در معرض خطر قرار داده، وجدان بشری را آزرده می‌کند. از دیدگاه کلیسای مسیحی، برای رهایی انسانها از این ناگواری‌ها، که مرتبط با تعالیم انجیل و آیین مسیحیت است، لازم است تدابیر شایسته برای ایجاد زندگی عادلانهٔ انسانی فراهم شود. اما روشن است که بر خلاف قرون وسطی، امروز کلیسا و متولیان آن توان جریان‌سازی و عملیاتی کردن اصولی مانند اصل برابری را در خود احساس نمی‌کنند و واقعیت نیز شاهد آن است.

در کتاب مقدس هندیان برهمنی، میان انسانها به بهانهٔ عنصر اولیه و خاستگاه پیدایش آنان، تبعیض قائل شده و نوعی طبقه‌بندی و اختلاف طبقاتی بین مردم وجود دارد. یونانیان باستان نظیر افلاطون و ارسطو نیز به نوعی معتقد به جواز اختلاف طبقاتی طبیعی بین افراد بوده و شهروندان شهرهای خاص را دسته‌ای برگزیده می‌دانستند که از نظر حیثیت انسانی بر بردگان، زنان و بربرها برتری داشتند. برخی از یهودیان نیز معتقد به برگزیده بودن مردان از سوی خداوند متعال بودند و آنان را برتر از زنان می‌دانستند.

اعراب جاهلی فقط خودشان را انسان کامل می‌دانستند و سایرین را از خود فروتر می‌پنداشتند. البته در میان خود، با زنده به گور کردن دختران، اوج جهل خود را به نمایش گذاشته‌اند. موضوع عدم برابری و مساوات در حال حاضر نیز به نوعی در برخی کشورهای عربی نظیر عربستان سعودی قابل مشاهده است؛ مثل عدم حق رأی در انتخابات و نظایر آن.

4. اصل برابری در حقوق اجتماعی

برابری انسان در امور اجتماعی، مورد پذیرش اسلام است؛ اما این برابری در میان زنان و مردان و مسلمانان و غیر مسلمانان در برخی موارد مشاهده نمی‌شود. زنان و مردان با اینکه در اصل انسانیت با هم برابرند (نساء: 1) و عدم تبعیض بین آنان در دانش‌اندوزی،¹ استقلال عمل و آزادی اراده (نساء: 124)، امور اقتصادی (نساء: 32)، انجام کار و برخی مجازاتها دیده می‌شود؛ اما در اموری چون شهادت (بقره: 282)، ادارهٔ خانواده (نساء: 34) و ارث (نساء: 11) این تساوی به هم می‌خورد (هاشمی، 1391: 110). از نظر صاحب‌نظران، این عدم برابری به سبب تفاوت طبیعی بین زن و مرد است و این تفاوتها به معنای برتری مرد بر زن نیست (مطهری، 1357: 167)، بلکه مصلحت واقعی در روابط خانواده ایجاد می‌کند که هر کسی به اندازه‌ای مسئولیت‌پذیر و مورد توقع باشد که از عهدهٔ او برمی‌آید و توانایی لازم را دارد و این حقیقت در احکام اسلامی مورد توجه شارع مقدس بوده است.

درست است که عدالت همه جا ارزش است، ولی تساوی گاهی ممکن است ارزش و گاهی ظلم باشد. برای مثال، اگر پزشک به همهٔ مریضها یک نوع دارو بدهد یا معلم به همهٔ شاگردان یک نمره بدهد، تساوی هست، اما عدالت نیست. عدالت آن است که به هر کس بر اساس استحقاقش بدهیم، گرچه تفاوت باشد؛

1. «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (حدیث نبوی)

زیرا تفاوت گذاشتن بر اساس لیاقتها و کمالات، حقّ است؛ اما تبعیض باطل است. تبعیض آن است که بدون دلیل و بر اساس هوای نفس، یکی را بر دیگری ترجیح دهیم؛ ولی تفاوت آن است که بر اساس معیارها یکی را بر دیگری ترجیح دهیم (قرآنی، تفسیر نور، ج 2: 57). بنابراین، باید آرزوی عدالت داشت، ولی تمّای یکسان بودن همه چیز و همه کس نایبجاست.

ه) جایگاه اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر معارف عالیّه اسلامی بوده و میثاق ملی و بنیادین ملت مسلمان ایران اسلامی است، طبعاً توجه و تأکید چنین مقرره‌ای بر اصل برابری در خلال فصول مختلف خود، حاکی از ارزشمند بودن و جایگاه ویژه آن در قانون اساسی است. برخورداری از جایگاه مذکور، این اقتضا را دارد که رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تفصیل بررسی شود.

1. اصل نوزدهم

بررسی حقوق بشر در ادوار مختلف تاریخ نشان می‌دهد که انسانها از هزاران سال پیش به فکر حقوق و تکالیف خویش بوده‌اند؛ گاهی این حقوق و تکالیف در ارتباط با روابط آنان با یکدیگر و زمانی در ارتباط با حاکمان خود بوده است. بنابراین، تبیین این حقوق و تکالیف می‌تواند یاریگر شهروندان در دستیابی به حقوق مسلمّ آنان باشد و پاسخگویی مسئولان بر مدار حق و قانون را به ارمغان آورد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ثمره انقلاب مردمی ایران با رهبری حضرت امام(ره)، به اشکال گوناگونی به حقوق اساسی مردم و ملت ایران اشاره و بر آن تأکید کرده است. فصل سوم قانون اساسی که به موضوع حقوق ملت اختصاص دارد، در اولین اصل خود؛ یعنی اصل نوزدهم چنین بیان می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». بنابراین، نژادپرستی و برتری‌جویی قومی و قبیله‌ای به هر شکلی مردود و باطل است و هیچ کس نباید به بهانه این گونه تفاوتها، ادعای برتری بر دیگری را در مواجهه با قانون ابراز کند.

یک) کلیات اصل

در مقایسه پیش‌نویس با اصل مصوّب، این نتیجه به دست می‌آید که گرچه کلیت هر دو یکی بوده است، اما متن پیش‌نویس از این نظر که با تصریح به آیه کریمه «یا ایها الناس! انا خلقناکم من ذکرٍ وَاُنثی وَّجَعَلْنَاکُمْ شُعُوبًا وَّ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا اِنْ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقَاکُمْ» مبنای قرآنی این اصل را بیان کرده بود، بر اصل مصوّب برتری داشت و شایسته بود این آیه در اصل مصوّب هم ذکر می‌شد. اصل مصوّب از این نظر که دامنه شمول گسترده‌تری نسبت به پیش‌نویس دارد و «زبان» را هم به «رنگ و نژاد» افزوده و برابری حقوق هویتهای زبانی را نیز تضمین کرده است، بر پیش‌نویس برتری دارد.

771 ❖ اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ایراد طرح شده از سوی برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص اصل 19، این بود که کلمه «مساوی» در این اصل با «موازن شرع» تناسب لازم را ندارد و اصل مزبور قدری مجمل است. در پاسخ گفته شد که: هر کس حق دارد در شرایط مساوی با افراد دیگر، از حمایت مساوی برخوردار شود. در واقع؛ تساوی در قانون با تساوی در حقوق متفاوت است (احمدی، 1394: 4). پس مردم در برابر قانون مساوی‌اند، نه اینکه قانون در برابر همه افراد مملکت یکسان باشد.

سؤال دیگری که در خصوص اصل 19 مطرح است اینکه، با توجه به صدر این اصل که مقرر داشته: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند»؛ هر چند ممکن است تعلق به یک قوم و قبیله موجب امتیاز نباشد، آیا می‌تواند سببی برای محرومیت به حساب آید؟ تفاوت و تبعیض، هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی؛ جنبه مثبت آن، امتیاز و جنبه منفی آن، محرومیت است. در نهادهای بین‌المللی، صلاحیتها بر حسب ملیتها و قومیتها تقسیم شده است. مثلاً پیش‌بینی شده که قضات دادگاه لاهه یا دیوان بین‌المللی دادگستری از میان حقوقدانان و به تناسب از قاره‌ها یا کشورها و حتی در برخی نهادها به تناسب ادیان مختلف انتخاب شوند (مان: 5). این باعث ممانعت از ایجاد محرومیت می‌شود، ولی آیا این رویه در کشور ما نیز پذیرفته شده است؟ به طور اجمال می‌توان گفت که در حقوق سیاسی و اجتماعی و به ویژه در حقوق مدنی به معنی اعم، چه در قانون و چه در رویه عملی، به تساوی و برابری توجه لازم صورت گرفته است.

دو مبانی مشروعیت اصل 19

مبنای مشروعیت این اصل، آیه 13 از سوره مبارکه حجرات است که بنا به روایتی، شأن نزول آن، اذان گفتن بلال حبشی به دستور رسول مکرم اسلام (ص) است و ناظر به عدم برتری رنگ و نژاد بوده و به صراحت، برتری‌های قومی و قبیله‌ای به کلی نفی شده و ملاک برتری انسانها صرفاً تقوا عنوان شده است.

امیرالمؤمنین علی (ع) پیرامون تعامل صحیح با مردم خطاب به مالک اشتر نخعی در فرازی از نامه 53 نهج البلاغه در خصوص افراد تحت حکومت خویش می‌فرماید: «فأنهم صنفان: اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق». پس افراد در جامعه اسلامی یا از معتقدان به توحید و باورهای اسلامی‌اند که در حکم برادر انسان قرار می‌گیرند یا در خلقت و وجود انسانی هم‌ردیف او قرار دارند. اصل برابری در خلقت و عدم تفاوت و تمایز میان حقوق و تکالیف افرادی که به سبب آفرینش و ویژگی‌های طبیعی برابر و یکسان‌اند، با تعبیر مختلفی در آیات و روایات آمده است (احمدی، 1394: 8). خلقت افراد از «نفس واحده» دلالت بر همین امر دارد.

سه ارتباط اصل 19 با سایر اصول قانون اساسی

این اصل ذیل بخش حقوق ملت آمده و نشان‌دهنده این است که منظور از مردم ایران، اتباع ایرانی است و شامل ساکنان غیر تبعه ایران نمی‌شود. لذا ملاک برخورداری از این اصل، تابعیت است. بعلاوه، این اصل

شامل مذهب نبوده و منادی تساوی کامل حقوق از نظر مذهب و جنسیت نیست. لذا با توجه به اصل چهارم قانون اساسی و آیه شریفه مبنای اصل 19، تفسیر اصل یاد شده بدین نحو خواهد بود: در نگاه به اصل باید دو موضوع «برابری» و «تفاضل» از یکدیگر تفکیک شود. در اسناد دینی و شرعی، انسانها در مقام خلقت با یکدیگر برابر دانسته شده‌اند و طبیعت، قوم و قبیله، عرب و عجم بودن، زن و مرد بودن، سفید و سیاه بودن و هر امری که به طبیعت باز می‌گردد، موجب برتری و تفاضل میان آنها نمی‌شود (همان: 9). البته باید توجه داشت تساوی به معنای حقوق مشابه نیست، بلکه به معنای حقوق عادلانه و برابر است که گاهی از آن به تساوی حقوق یاد می‌شود.

2. اصل بیستم

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

یک (کلیات اصل

مردم در مقابل شرع و قانون مساوی‌اند (جعفری، 1390: 178). دو موضوع اصل بیستم قانون اساسی عبارتند از: تساوی همه افراد، اعم از زن و مرد در مقابل قانون و برخورداری ایشان از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی که ذیل اصل به آن اشاره شده است. البته باید توجه کرد که میان دو مفهوم «حقوق شهروندی» و «حقوق بشر» تفاوت وجود دارد. یکی از اساسی‌ترین تفاوتها در این است که حقوق شهروندی در محدوده یک کشور حاکمیت دارد و صرفاً برای اتباع یک کشور تعریف می‌شود و اتباع کشورهای دیگر از آن برخوردار نیستند؛ مانند حق کار. اینکه در صدر اصل بیستم از افراد ملت نام برده می‌شود، بدین معناست که اصل بیستم در مقام بیان حقوق شهروندی است نه حقوق بشر. یکی دیگر از تفاوتها میان حقوق بشر و حقوق شهروندی، بحث «بومی‌سازی در حقوق شهروندی» است؛ یعنی همان حقوق بشر در مبحث حقوق شهروندی نیز مطرح می‌شود، با این تفاوت که مصادیق آن با فرهنگ، مسائل اجتماعی و اقتصادی و آداب و رسوم کشور بومی‌سازی می‌شود.

به نظر می‌رسد قید «موازین اسلام» در این اصل، مفهوم عام حقوق بشر را به مفهوم خاص حقوق شهروندی مبدل کرده است؛ یعنی حقوق همگانی و بنیادین مذکور در اصل 20 قانون اساسی، صرفاً حقوق شهروندی‌اند، نه حقوق بشر به معنای مصطلح. در مقابل و به منظور توسعه معنای حقوق می‌توان چنین استدلال کرد که آنچه از قید «انسانی» در اصل 20 برداشت می‌شود، حقوق بنیادین بشری است و نه حقوق شهروندی. در واقع؛ هدف قانونگذار از حقوق مذکور در این اصل، حقوق شناسایی شده از سوی نظام بین‌المللی حقوق بشر است.

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، اصل بهره‌مندی از حقوق فردی و اجتماعی، بدین صورت مطرح شده است: بند اول از ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر در خصوص بهره‌مندی از حقوق بیان می‌دارد «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، به خصوص از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیتها، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند شود». در بند اول ماده دوم میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز وظیفه دولتها در قبال حقوق افراد بدین شکل بیان شده است: «دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیتها محترم شمرده و تضمین کنند». بند دوم ماده دوم میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به وظیفه مذکور چنین اشاره کرده است: «دول عضو میثاق حاضر متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ‌نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، اصلیت ملی یا اجتماعی، دارایی نسب یا هر وضعیت دیگر، تضمین کنند».

اصل حاکمیت قانون، به عنوان یکی از ایده‌آلهای دولتهای حقوقی به حساب می‌آید و در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان - به سبب اهمیت آن - به آن تصریح شده است. در واقع اجرای این اصل، هدف مطلوبی است که ضرورت نگارش آن را به عنوان یکی از اصول قوانین اساسی توجیه و تبیین می‌کند (نقی‌زاده، 1393: 6). یکی از مؤلفه‌های حاکمیت قانون، برابری در مقابل قانون است که در صدر اصل 20 به آن اشاره شده است.

نکته دیگر اینکه، ذیل اصل 20، برخورداری همه افراد ملت را از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام بیان می‌دارد، نیازی به ذکر صدر اصل نیست؛ زیرا یکسان بودن در حمایت قانون یا تساوی در برابر قانون، جزء حقوقی است که ذیل اصل به آنها اشاره شده است. به عبارت دیگر؛ قانونگذار در اصل مذکور به دلیل اهمیت موضوع زنان، به طور خاص برخورداری آنان را از حقوقی برابر با مردان و البته با رعایت موازین اسلامی، تصریح می‌کند. لذا این اصل به هیچ وجه زائد نبوده، ذکر آن از باب تأکید بر حقوق زن لازم به نظر می‌رسد؛ زیرا زنان در ادوار مختلف تاریخ ایران، از بسیاری از حقوق سیاسی مثل رأی دادن محروم بودند و حتی در سرشماری‌ها هم لحاظ نمی‌شدند (همان: 7). بنابراین، قانون اساسی جمهوری اسلامی که باید همگام با انقلاب اسلامی تحولی را ایجاد می‌کرد، لازم بود در این زمینه با صراحت و دقت برخورد کند و در این اصل به طور خاص به مسئله زنان و حقوق آنها اشاره کند. حتی می‌توان گفت ذکر عبارت «اعم از زن و مرد» نیز در این اصل ضروری و لازم است.

دو) مفهوم یکسان بودن در حمایت قانون و ارتباط آن با برابری در مقابل قانون

در پیش‌نویس قانون اساسی، در اصل 20 به جای عبارت «یکسان در حمایت قانون»، عبارت «تساوی در برابر قانون» ذکر شده است؛ چون «در برابر قانون» هم شامل حالتی می‌شود که قانون به نفع فرد است و هم حالتی را در بر می‌گیرد که قانون به ضرر فرد است؛ اما «در حمایت قانون» تنها شامل حالتی می‌شود که قانون به نفع فرد است. به عبارت دیگر؛ «در برابر قانون» علاوه بر دفاع از مظلوم، به اعمال قانون در برابر ظالم نیز اشاره دارد. بنابر این، عبارت «در برابر قانون» اعم از عبارت «در حمایت قانون» بوده و مناسب‌تر است و مطابق با یکی از مؤلفه‌های «اصل برابری در مقابل قانون» که در اصل 20 قانون اساسی به آن تصریح شده، «اصل حمایت یکسان در برابر دادگاهها» است؛ یعنی همه شهروندان می‌بایست به صورت مساوی در حمایت مراجع دادگستری قرار بگیرند و دادگاهها باید به صورت یکسان در دسترس همه شهروندان باشند.

در رابطه با قید «یکسان بودن در حمایت قانون» که در اصل 20 آمده است، گفتنی است که اساساً در اسلام، حقوق زن و مرد مساوی نیست؛ زیرا حق در برابر استعداد و مسئولیت معنا پیدا می‌کند و زن و مرد هیچ‌گاه از این نظر در شرایط یکسان قرار نمی‌گیرند. بنابر این، زن و مرد هیچ‌گاه نمی‌توانند در حمایت مساوی یک قانون قرار بگیرند؛ زیرا حقوقشان با یکدیگر متفاوت است. برای مثال، در برخی احکام مانند دیه، میان آن دو تفاوت وجود دارد. البته باید توجه کرد که این سخن به معنای پذیرش برتری مرد بر زن یا بالعکس نیست؛ زیرا خداوند متعال به صراحت، عامل برتری را به حکم آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» تقوا قرار داده است و جنسیت به علت اکتسابی نبودن، تأثیری در فضیلت افراد ندارد (تقی‌زاده، 1393: 14). بنابر این، درباره علت برتری یک گروه نسبت به گروه دیگر، چیزی جز تفاوت در کسب فضایل و استعدادها و ظرفیتها نمی‌توان بیان کرد.

3. اصل سوم

در اصل سوم قانون اساسی، با توجه به تکلیف دولت به انجام تلاش برای رسیدن به اهداف مندرج در اصل دوم، ملاحظه می‌شود که تعهد دولت، تعهد به نتیجه است. این تعهدات در حوزه حقوق مدنی - سیاسی، تعهد سلبی و در حوزه اقتصادی، تعهد ایجابی است. حال این مسئله پیش می‌آید که ارتباط این تعهدات با آزادی شهروندان چگونه است؟ در پاسخ به این سؤال، گفتنی است که ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، یکی از مصادیق حقوق بشر از منظر اسلام است که در اسناد حقوق بشری دیده نمی‌شود و این یک نقیصه برای حقوق جهانی بشر است که به دلیل عدم توجه به بُعد معنوی و روحانی انسان بوده و نتیجه نگرش مادی صرف به انسان است. (رحمانی و فلاحی، 1395: 30)

در بند نهم از اصل سوم قانون اساسی بیان شده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و

775 **◇ اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

معنوی است». همچنین در بند ششم این اصل، یکی دیگر از وظایف دولت را محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی مقرر کرده است. بنابر این، ملت ایران با هم برابر و یکسان بوده، هیچ کس را بر دیگری امتیازی نیست و تمامی مردم ایران در برابر قانون مساوی و برابر بوده و هیچ کس حق ندارد مانع حمایت قانون از حقوق آحاد ملت شود یا خود را برتر از دیگران بداند.

به موجب بند چهارم اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم مردم در برابر قانون به کار گیرد. مجدد متذکر می‌شود که در خصوص بند نهم، اولاً، «تبعیض ناروا» منع شده است؛ بدین معنا که تبعیضات روا و صحیح و عادلانه هم وجود دارد. ثانیاً، در متن پیشنهادی این بند، عبارت «ایجاد امکانات مساوی و عادلانه» بود که در نهایت کلمه «مساوی» از آن حذف شد و تنها قید «عادلانه» در متن اصل باقی ماند. این دو مورد اشاره به این امر دارد که «عدالت»، متفاوت از «مساوات» است. اسلام به جای نظریه «مساوات» که در مباحث حقوق بشری به عنوان مینا استفاده می‌شود، نظریه «عدالت» را برگزیده است. این بند یکی از موارد و مصادیق لازم در یک قانون اساسی کامل و جامع است که در آن، عدالت توزیعی و وضعی به درستی مورد توجه قرار گرفته است. «رفع تبعیضات ناروا» موضوعی است که ضرورت وجود آن در نظام اسلامی امری بدیهی است. در حقیقت؛ وجود برخی از مزایا و امتیازات مثبت، امری مطلوب و بهینه است (همان: 32). به عبارت دیگر؛ توجه به افراد شایسته در جامعه برای تحقق اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران، امری ضروری و مورد توجه است، اما تبعیضات ناروا امری مذموم و ناپسند است.

4. اصل یکصد و هفتم

در بند «14» اصل سوم، عبارت «تساوی عموم در برابر قانون» آمده است. در مباحث حقوقی دو نوع تساوی وجود دارد: یک، تساوی در برابر قانون و دو، تساوی در قانون. البته این موضوع غیر از تساوی در حقوق است. منظور از تساوی در حقوق، تساوی در برابر حقوق طبیعی، وضعی و هر قانونی است که برای تنظیم زندگی طبیعی و حیات معقول انسانها ضرورت دارد (جعفری، 1390: 342). تساوی در برابر قانون قابل قبول است؛ چنانکه در اصل 107 قانون اساسی نیز تأکید شده است که حتی رهبر معظم نظام جمهوری اسلامی از لحاظ حقوقی و قانونی با سایر افراد کشور برابر است (مجیدی، 1389: 75). اصل برابری و تساوی در برابر قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچنان از اهمیت بالایی برخوردار است که حتی بالاترین شخصیت نظام؛ یعنی مقام رهبری را از این اصل مستثنا نکرده و ذیل اصل 107 قانون اساسی چنین آورده است: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

برای تکمیل بحث، بیان این نکته ضروری است که مطابق قانون اساسی، رعایت حقوق افراد، فقط مختص مسلمانان نیست؛ بلکه باید در جمهوری اسلامی ایران حقوق تمامی انسانها، اعم از مسلمانان و غیر

مسلمان، کاملاً بر اساس موازین شرعی و قانونی رعایت شود. چنانچه در اصل 14 قانون اساسی بیان شده است دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل کرده و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. با این اوصاف می‌توان گفت نگارندگان قانون اساسی سعی در آن داشته‌اند تا با تأکید و تصریح بر اصل تساوی و برابری همگان در برابر قانون در جای‌جای قانون اساسی، از اعطای امتیازات واهی و غیر قانونی و غیر شرعی به طبقه یا قشر خاصی از مردم پرهیز کنند.

(و) بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای معاصر، واژه برابری از بیشترین محبوبیت برخوردار بوده و یقیناً مقصود، آن نیست که همه انسانها با هم تماثل و تشابه تام و کامل دارند؛ بلکه مراد، تساوی در ارتباط با مبدء، تساوی در ماهیت و تساوی قراردادی در برابر حقوق طبیعی و وضعی است که برای زندگی معقول بشر ضرورت دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور، در خلال اصول مختلف خود به حقوق اساسی مردم و ملت ایران توجه ویژه کرده و از اعطای امتیازات واهی و غیر قانونی به طبقه یا قشر خاصی از مردم نهی کرده است. اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچنان از اهمیت بالایی برخوردار است که حتی بالاترین شخصیت نظام؛ یعنی مقام معظم رهبری را از این اصل مستثنا نکرده و ایشان را در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی دانسته است. اما باید توجه داشت که برابری حقوق و تکالیف افراد یک اجتماع در شرایط مساوی ممکن نیست؛ زیرا ایجاد چنین شرایطی یکسانی میسر نخواهد بود. به طور واضح آنچه ملاک بنیادین در اصل برابری است، در صورت یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در شمول قانون، برابری همه آنان در برابر قانون است.

منابع

- قرآن مجید.
- آیتی، محمدابراهیم (1371). تاریخ یعقوبی. تهران: علمی فرهنگی، چ ششم.
- احمدی، داریوش و مهدی ابراهیمی (1394). بررسی اصل نوزدهم، مشروح مذاکرات. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- تقی زاده، احمد (1393). بررسی اصل بیستم (مشروح مذاکرات مجلس...). تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- جعفری، محمد تقی (1390). حقوق جهانی بشر. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چ پنجم.
- دشتی، تقی (1390). حقوق بشر در ترازو. تهران: کانون اندیشه جوان.
- رحمانی، علی و علی فتاحی ظفرقندی (1395). بررسی اصل سوم، مشروح مذاکرات. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- سبحانی، جعفر (1389). منشور عقاید امامیه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سلطانی، سید ناصر (1391). «مفهوم برابری در مقابل قانون در متمم قانون اساسی مشروطیت». مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، ش 2.
- عنایت، حمید (1362). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی.
- قرائتی، محسن (1380). تفسیر نور (جلد 2). چ اول. تهران: موسسه فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کاپلستون، فردریک (1370). تاریخ فلسفه، یونان و روم. ترجمه سید جلال الدین مجتویی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی سروش.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر - مرادی، نیکزاد، اصل برابری در استفاده از خدمات عمومی: مطالعه در حقوق ایران با تگاهی به آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر، فصلنامه تحقیقاتی حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره 87، پاییز 1398، تهران.
- گلی، حسین گلی - اله وردی ها، محمد مهدی - کاوند علیرضا، تساوی حقوق در بستر قانون اساسی ایران و نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال 4، شماره 15، پائیز 1395.
- مجیدی، محمدرضا (1389). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. قم: دفتر نشر معارف.
- مرادی، صادق (1377). تگرشی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق اسلام. تبریز: سالار.
- مصباح یزدی، محمد تقی (1391). نظریه حقوقی اسلام. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (1357). نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا.
- میرموسوی، سید علی (1392). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ سیزدهم.

- ویژه، محمدرضا، مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم، تابستان 1383.
- هاشمی، سید محمد (1391). حقوق بشر و آزادی‌های اسلامی. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ دوم.
- _____ (1387). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد 2)، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، چ 20.
- **The Qur'an.**
- Ahmadi, Daryoosh & Mehdi Ebrahimi (2015). **Study of the 19th Principle, Detailed Negotiations.** Tehran: Guardian Council Research Institute.
- Ayati, Mohammad Ibrahim (1992). **Yaghoubi's History.** 6th Edition. Tehran: Scientific-Cultural Publishing Company.
- Dashti, Taqi (2011). **Human Rights in Balance.** Tehran: Young Andisheh Center.
- Enayat, Hamid (1983). **Political Thought in Contemporary Islam.** Translation by Baha'uddin Khorramshahi. Tehran: Kharazmi Publishing.
- Hashemi, Seyyed Mohammad (2012). **Human Rights and Islamic Freedoms.** 2th Edition, Tehran: Publishing of the Legal Foundation.
- Jafari, Mohammad Taghi (2011). **Human Rights in General.** Tehran: 5th Edition. Tehran: Allameh Ja'fari Writing and Publishing Institute.
- Majidi, Mohammad Reza (2010). **Introduction to the Constitution of the Islamic Republic of Iran.** Qom: Office of the Publishing.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2012). **The Legal Law of Islam.** Tehran: Publishing of Imam Khomeini Institute of Education and Research.
- Mirmosavi, Seyyed Ali (2013). **The Foundations of Human Rights in the View of Islam and Other Schools.** 13th Edition. Tehran: Islamic Republic of Iran.
- Moradi, Sadiq (1998). **Attitudes towards the Universal Declaration of Human Rights and Islamic Law.** Tabriz: Salar Publications.
- Motahhari, Morteza (1978). **Women's Rights System in Islam.** Qom: Sadra Publications.
- Rahmani, Ali & Ali Fattahi Zafarqandi (2016). **Reviewing the Third Principle, Detailed Negotiations.** Tehran: Guardian Council Research Institute.
- Sobhani, Ja'far (2010). **Imamiyah Charter.** Qom: Imam Sadiq Institute Publications.
- Soltani, S.N. (2012). "The Concept of Equality before the Law on Constitutional Amendments to the Constitution". *Journal of Legal Studies, University of Shiraz*, Vol. IV, No. 2.
- Taqizadeh, Ahmad (2014). **Study of the Twentieth Principle (Detailed Negotiations of the Parliament ...).** Tehran: Publication of Guardian Council Institute.

